

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نصر (جله سوم)

نخستین منوی استاد اخوت ۱۴/۷/۴

مواردی که جلسه‌ی پیش مطرح کردیم این بود که در اثر نصر خدا و فتح او وضعیت خاصی در جامعه اتفاق می‌افتد. در واقع نصر خدا و فتح برهم زنده‌ی وضعیت نیست، بلکه استقرار وضعیتی جدید را نوید می‌دهد، (کلمه‌ی جاء) بحث استقرار وضعیت جدید است.

مولفه اذا، جاء و نصر و فتح بررسی شد.

در نصر مشارکت از جانب مردم لازم است، بنابراین اذا لازم می‌شود. پس جمله با اذا شروع شده به این دلیل که موقعیت و شرایط فتح فراهم شده است. موقعیت فتح هم به سبب حرکت مردم اتفاق می‌افتد یعنی اگر حرکت نباشد فتح اتفاق نمی‌افتد.

این سوره در انتهای عمر پیامبر (ص) نازل شده و فتح‌های پیامبر (ص) بعد از جهادهای پیامبر (ص) بوده است. پیامبر اکرم (ص) در این سوره به عنوان شاهد مورد خطاب قرار گرفته‌اند، شاهد در این سوره همان کسی است که نصر و فتح به سبب فعالیت او تقدیر شده و رقم خورده است. از دو جهت شاهد است: یکی از جهت مشاهده کننده‌ی دستاوردها و دیگری به عنوان سبب (مسبب) دستاوردها، که معنی دوم ناظر به امکان پذیر بودن نصر و فتح فراگیر است. یعنی همانطور که این موقعیت را در زمان رسول (ص) دیده‌اید در زمان‌های دیگر قابل دستیابی است. او تنها کسی نیست که این نصر را رقم زده است، زیرا شاهد مثل شاگرد اول است، آن کلاس می‌توانسته شاگرد اول داشته باشد. در مجموع اسلام قابلیت فراگیر شدن را دارد که معنای شاهد دوم است.

بحث ناس در سوره به هویت جمعی انسان برمی‌گردد، در واقع با این کلمه ویژگی او را در فعالیت‌های اجتماعی‌اش تاکید می‌کند. این مهم است که خداوند برای انسان یک هویت اجتماعی قائل است و انسان زندگی‌اش در هویت

اجتماعی‌اش تنیده می‌شود و مسائل جامعه، مسائل فرد می‌شود. و بسیاری چیزها که به انسان می‌دهند یا از او می‌گیرند به واسطه‌ی این اجتماعی بودن او است.

دین موضوع بعدی است، که می‌تواند دین خدایا غیر خدا باشد.

فوج فوج وارد شدن نشان از نصر و فتح الهی دارد، گرویدن به عنوان یکی از مهم ترین مصادیق نصر و فتح به حساب می‌آید در واقع به عنوان غایت است. بنابراین به عنوان شاخص حرکت‌های اجتماعی الهی قابل معرفی است. جهان شمول بودن حرکت اجتماعی و تاثیر و تاثیری که بر کلیه‌ی حرکت‌های جامعه و جوامع می‌گذارند از مولفه‌های این شاخص است. این مهم است که از یک حرکت اجتماعی ارزیابی درستی داشته باشیم و اگر به سمت حق حرکت می‌کند در این سوره داخل شدن به صورت فوج فوج است. مثل داخل شدن انسان‌ها به تشیع باینکه از ابتدای اسلام محدودیت‌های زیادی وجود داشت.

سوال: حرکت‌های غیر الهی هم مقطعی رشد می‌کنند و فوج فوج ورود دارند پس چگونه توضیح داده می‌شود؟

۱- به میزان هزینه‌ها نگاه کنید که هر گروهی و هر حرکتی چه میزان هزینه برده است، ۲- دوام حرکت را بررسی کنید، زیرا برخی رشدها سرطانی است مثل داعش. پس تداوم بسیار مهم می‌شود.

گاهی ما می‌آییم غیر مذهبی‌ها را مذهبی می‌کنیم، گاهی مذهبی‌ها را ساماندهی می‌کنیم. آن چیزی که در گروهک‌ها (داعش و...) می‌بینیم ساماندهی است و نه داخل شدن.

سوال: نصر مردم از سوره چگونه برداشت می‌شود؟ براساس آیه‌ی "ان تنصروا الله ینصرکم" یعنی مقدمه‌ی نصر خدا نصر مردم است.

در فوج فوج در دین خدا وارد شدن، تعداد و اکثریت معنا ندارد. زیرا در همان زمان نزول تعداد مسیحیان و یهودیان از مسلمانان بیشتر بوده‌اند ولی فرمود فوج فوج وارد می‌شوند.

کسی که در ولایت پذیری‌اش دچار مشکل شده است و اهل تسنن است، دچار انحراف شده است، ولی انحراف‌ها در دین به معنای خروج از نعمت نیست. در این سوره دین آمده است، پس داخل شدن در دین نعمت است ولی قوه‌ی مراقبت از این دخول نیز لازم است و مهم می‌شود.

بحث فوج فوج ناظر به مراتب هویت اجتماعی بدون تعیین آن مذهب است. مایک موضوعی داریم به نام مراتب هویت اجتماعی، مثلاً یک جمعی در اربعین به کربلا می‌روند، برخی با خانواده برخی با دوستان و برخی ، وقتی می‌گوییم فوج اطلاقش به همه است، یعنی همه از گروه‌های مختلف. هر کدام برای دسته شدنشان (هر فوجی برای فوج شدنش) انگیزه‌ی خاصی دارد، فوجی به صورت خانواده و فوجی به صورت دوست و.... این انگیزه‌ها ناظر به مراتب هویت اجتماعی است.

به طور طبیعی هر فوجی ناظر به شاکله‌ای است. مثلاً کسی که با دوستانش آمده‌است لازم نیست هتل برود و کف خیابان هم می‌تواند بخوابد. فوج یک نفره هم می‌توانیم داشته باشیم. باید یک سیستمی برایش در نظر بگیریم تا فوج شود. فوج یعنی یک قطعه از یک حرکت اجتماعی که کنده می‌شود و جریان تولید می‌کند.

در حرکت‌های اجتماعی استمرار حرکت به سمت خدا وابسته به بصیرت مردم است. یعنی اگر جامعه بصیرتش را از دست دهد، خدا عنایتش را از آن جامعه برمی‌دارد. در جامعه لازم است شرایط نصر و فتح به صورت دائمی فراهم شود و گرنه رحمت الهی از مردم برداشته می‌شود. نصر و فتح به حرکت‌های اجتماعی بسیار وابسته است. انواع گناهان، انحرافات، باورهای غلط سم نصر و فتح الهی است.

برخی از انحرافات انسان را از دین خارج می‌کند، ولی این هم ممکن است که کسی ظاهر دین را داشته باشد ولی باطن او دین دار نباشد. نصر و فتح، و دین و داخل شدن با هم است، در غیر این صورت کسی که غیر از این داخل شدن باشد، نصر و فتح هم ندارد.

خداوند در قرآن اصرار دارد که مقدرات مردم را به گردن خودشان بیندازد. و شیطان و وابسته‌های او در قرآن اصرار دارند که مقدرات مردم به گردن تقدیرات بیندازند، مثل همین که در منا اتفاق افتاد که تقدیر بود که مردم بمیرند.

بزرگترین و مهمترین نتیجه‌ای که گرفتیم این است که نصر و فتح خدا با اِذا آمده است. پرسش می‌شود که اِذا چه زمان تحقق پیدا می‌کند؟ جواب می‌دهیم وقتی مردم حرکت کنند. چه زمان این اِذا استقرار پیدا می‌کند؟ وقتی که مردم مستمر باشند. یعنی ظهور امام زمان(ع) منوط به حرکت مردم است.

تسبیح به حمد نشان می‌دهد که نصر و فتح الهی نعمتی است که لازم است شکر شود. شکر یعنی همان تسبیح و استغفار. و هر آنچه که در سوره‌ی ابراهیم (ع) پیرامون شکر نعمت وجود دارد در این بحث نیز مطرح است.

تدابیری که مردم برای استمرار حرکشان دارند باید از جنس تسبیح و استغفار باشد، یعنی جنس حرکت اجتماعی که موجب نصر و فتح می‌شود از تسبیح و استغفار باشد. یک حرکت که از فوج فوج تشکیل می‌شود در صورتی می‌تواند بهره از تسبیح و استغفار داشته باشد که:

۱) در طبع خود عیب گریز، حد گریز و نقص گریز باشد.

۲) در طبع خود کمال گرایی (منظورمان از کمال همان است که با حق گره خورده است) داشته باشد.

این دو مورد دو سربیک طیف را نشان می‌دهد، که در مورد دوم باید روز به روز به کمالات، فضائل اخلاقی و معنویتش بیفزاید. و این دو تا با هم هستند.

گاهی قیدها و حدود آسیب می‌شوند، مثلاً من آدم مهمی هستم و باید در دانشگاه تدریس کنم و مدرسه نمی‌توانم بروم. هر چه سخنران خبره‌تر می‌شود آسیب‌ها نوعاً بیشتر در کمین هستند. بحث اولویت با این مساله متفاوت است و برنامه ریزی لازم دارد.

*امان از تعینات و امان از تعینات کمالی و امان از توهم کمال که تعین هم داشته باشد. و این‌ها همه آسیب است.

تمامی این آسیب‌ها برای جمع است و این یعنی جمعی دچار توهم کمال شده است. نقص گریز نبودن یا حد گریز نبودن با عدم توسعه و بسته بودن جمع خودش را نشان می‌دهد. همین که صندوق انتقادات پر نشده، یعنی راه توسعه بسته شده است.

در زمان خلفا نقل حدیث ممنوع شد. چون وقتی احادیث نقل می‌شد مردم عیوب خلفا را می‌یافتند، و این یعنی آنها امر به معروف را حذف کردند. پیامبر ۱۰ سال خطبه‌ی نماز جمعه در مدینه خوانده‌اند و الآن یک خطبه هم از پیامبر موجود نمی‌باشد. ما از پیامبر یک نهج الفصاحه داریم که آن هم جملات تکه تکه شده است.

۳) در طبع خود (در طبع یعنی در فعلش باشد) جلب کننده‌ی رحمت الهی باشد، و این از غفران است. رحمت در شکل‌های مختلف. مهربانی، خوش خلقی، زیرکی، فراست، برطرف کردن فقر و غم و اندوه و عنایت‌های خدا و ... که همه از مصادیق رحمت است.

اگر در یک حرکت اجتماعی وارد شدید که مبعوض‌تر شدید یعنی دین خدا نیست و نصر و فتح پشت آن نمی‌باشد. خوب است که یک حرکت اجتماعی افرادش را روز به روز قوی‌تر کند. بسیار مهم است که طبع این حرکت اجتماعی به جلب رحمت باشد و نه اینکه رحمت را سلب کند.

سوره‌ی مبارکه‌ی نصر این گونه بیان می‌شود که ای رسول تو تسبیح کن ... به طور واضح امر به پیامبر (ص) شده و برای تعمیم آن باید دلیل داشته باشیم. مثل سوره‌ی کوثر که اگر قرار است صل و نحر را تعمیم دهیم باید قرینه داشته باشیم.

به طور قطعی می‌دانیم که پیامبر (ص) امر به تسبیح و .. شده‌اند و این را می‌پذیریم. امرش هم مقید است و مشروط و مطلق نیست، یعنی اگر ... شد ... کار را بکن.

دین و عمل پیامبر (ص) که گاهی فردی است و گاهی به اعتبار پیامبری اوست. زمانی که به اعتبار پیامبر بودن اوست از مباحث دین به شمار می‌رود. وقتی می‌گوییم رسول یعنی امر دین است. و زمانی متنی را داخل در دین بدانیم پس می‌توانیم تعمیم دهیم. پس هر آنچه که داخل دین است قابلیت مشروط برای تعمیم دارد. پس ما احتیاج به قرینه داریم.

امرهایی که در کل قرآن به پیامبر (ص) شده یکسان نیستند و قاعده‌ی اولویت ایجاد می‌کند. یک سری از امرها به خاطر این است که به در بگوید که دیوار بشنود. اگر ما بخواهیم اوامر و نواهی قرآن به پیامبر را بشماریم حدود ۱۰ نوع می‌توانیم داشته باشیم، امر در این سوره مثل امر سوره‌ی کوثر است که قصد نظام سازی دارد. یعنی ای پیامبر در تسبیح و استغفار امام باش. نظام سازی تسبیح و استغفار را به عهده بگیر.

وقتی که رهبر تسبیح کرد پیرو هم تسبیح می‌کند. و اگر رهبران کاری را انجام دهند آن کار تعمیم می‌یابد.

در این سوره اهمیت یک موضوع برای رهبر را مطرح می‌کنیم ولی انحصارش را اثبات نمی‌کنیم. چون تسبیح کار انحصاری در لفظ نیست. مثلاً ما می‌توانیم با مدل‌های مختلفی جوامع را تفکیک کنیم، در قرآن هم خداوند به طرق مختلف بحث هویت جمعی را مطرح می‌کند.

- اولین واژه که در هویت جمعی ذکر شده زوج است، زیرا اولین ارتباطی که هست ارتباط آدم(ع) و حوا(ع) در بهشت مثالی است. و این نشان می‌دهد خود زوجیت اصالت دارد.
- مرتبه‌ی بعد بحث بیت است: با تاکید بیشتر بر پدر و مادر.
- ارحام (خانواده): عشیره هم آمده است.
- قریه: زمین و آبادی
- بلد
- قوم
- ام القری
- مدینه
- ملت
- امت: آخرین واژه است.

ممکنه است یکی دوتا جا افتاده باشد ولی بحث ما شمردن این‌ها نیست. در بحث هویت جمعی خداوند به این واژه‌ها سخن گفته است.

هویت اجتماعی یک توان حاصل از پیوندها و تعاملات اجتماعی است (تک تک نیست و توان برآیندی است)، که آن توان خاص ایجاد شده منجر به دریافت رحمت بیش از آن توان فردی می‌شود.

زوجیت هم یک پیوندی است که به واسطه‌ی ارتباطشان بیش از رحمت تک تکشان بر آن‌ها نازل می‌شود. برخی با که توان زوج از مجموع توان تک تکشان بیشتر است مخالف‌اند، ولی ما می‌گوییم که نه، هویت و قابلیت جدیدی بروز می‌کند که این خودش اقتضا آفرین است.

افواج یا فوج فوج به وسیله‌ی این‌ها تشکیل می‌شود و ماهیت فوج ممکن است زوج، بیت، ملت و امتی باشد. بنابراین فوج را باید با حیثیت هویت اجتماعی تعریف کنیم. هیچ زمانی نیست که انسان را بدون جنبه‌ی ناس بودنش ببینیم،

حتی وقتی انسان تنها می‌بینیم او را با ناس بودنش می‌بینیم. شما حتما هر کسی را با هویت جمعی‌اش می‌بیند. و خوب یا بد این جمعی زندگی کردن چنان در او تاثیر می‌گذارد که تا وقتی از آن جمع خارج نشوید متوجه خوب و بد های جمع قبلی نمی‌شوید.

*انسان نوعا در مراتبی از هویت جمعی خودش محصور می‌شود. مثل یک پیاز: می‌بینید که القانات محیطی بیشتر از طبع هر کسی برای او هدایت و ضلالت می‌آورد. مثلا فلانی، فلان اخلاق را از قریه (محلّه) می‌گیرد. فلان محلّه یعنی فلان عادات و آداب....

اصل این هویت‌های اجتماعی موجب افزایش توان انسان می‌شود، ولی یک سری انحرافات در این توان و هویت‌ها این توان را به بیراهه کشیده است. اول باید بپذیریم که انسان یک هویت جمعی دارد. (این منافاتی با شرع و اصول اخلاقی که فردی است ندارد)؛ یعنی انسان بسیار تحت تاثیر القا است و گاهی لازم است برای ترک یک موضوع فقط محیط فرد را تغییر دهیم.

اگر انسان براساس دین خدا زندگی نکند هویت جمعی خود را براساس مراتبی از مراتب هویت جمعی تعیین کرده‌است و خود را مقهور در شرایط می‌کند.

کار دین خدا این است که باعث می‌شود مراتب هویت جمعی در عین تنوعی که دارد به سمت یکپارچگی و انعطاف سوق پیدا کند، که در قرآن به این یکپارچگی و انعطاف امت واحده اطلاق شده است. در این صورت ناس به کلمه‌ی امت ارتقا پیدا می‌کند.

اگر انسان فکر کرد که چاره‌ای جز زندگی در جمع و جماعتی را ندارد، به طور حقیقی تبعات بودن در آن جمع و جماعت را ندارد. زندان و ابتلا هست ولی زندان و ابتلا اصل نیست. باید از دین و احکام دین استفاده کرد تا به بهترین نحو بتوان به توان هویت جمعی رسید. اللهم صل علی محمد و آل محمد

روایات زیادی از مناظر مختلفی به هویت جمعی پرداخته است. یکی از راه‌های شناخت هویت جمعی، شناخت بروزات هویت جمعی است. در واقع روایات به بروزات کمک می‌کند: در کتاب خصال، قال الصادق (علیه السلام):

ناس بر ۴ جنس اند:

- جاهل متردد (جاهلی که جنبه‌ی انکاری دارد) همه‌اش می‌گوید نه) و هوای نفسش را بغل کرده‌است)،
- کسی بعد از عبادتش متکبر می‌شود،
- عالمی که می‌خواهد بقیه دنبالش بیفتند و تمجیدش را بکنند
- و عارفی که بر طریق حق است و دوست دارد که قیام کند ولی مغلوب زمانه است، او بهترین زمانه‌اش هست.

در نتیجه ۴ دسته جاهل، عابد، عالم و عارف می‌شود.

با این روایت هر کسی خودش را از منظر روایت نگاه می‌کند. که عابد، جاهل، عالم و عارف در زوج، در بیت، در قریه‌اش و است یا نه؟ و بعد نقشش را توسعه می‌دهیم، مثلا کسی در قریه‌اش عارف است و می‌تواند به بلد توسعه پیدا کند.

دین یک سری احکام اصلی و پایه‌ای ارائه می‌دهد که صاحبان عقل جامعه که اولوالالباب نام دارند می‌توانند احکام فرعی را استخراج کنند.

گاهی در روایتی دید کلی از هویت جمعی آمده‌است. مثلا در این سیستم جامعه به دو قسم تقسیم می‌شود که یا جاهل است یا عالم (عالم دین و سبک زندگی) است و اگر جاهل است یا پیرو عالم است یا کاری به عالم ندارد. در روایت دیگر عالمان را تقسیم می‌کند و الی آخر...

لازمه‌ی برخورداری از نصر و فتح الهی فهم این موضوع است که فرد بتواند هویت جمعی را تشخیص دهد و از توان جمع استفاده کند. مقداری حوصله لازم است که لایه لایه‌های احاطه کننده هویت فردی را بشکافیم. و قرآن برای همه شاخص‌هایی قرارداده است.

به برکت دین انسان می‌تواند از توان هویت جمعی خود به طور مثبت استفاده کند، ان شاءالله خدا به همگی ما توفیق دهد.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات